

## درخواست حکمرانی مشارکتی و پایداری منابع آب بررسی کیفی ادراک ارتباطی ذی‌نفعان آب‌های زیرزمینی دشت رفسنجان

سیده بهار زندرضوی<sup>۱</sup>، هادی خانیکی<sup>۲</sup>، اکبر نصراللهی<sup>۳</sup>، داریوش بوستانی<sup>۴</sup>

(تاریخ دریافت ۹۷/۱۰/۱۲، تاریخ پذیرش ۹۸/۰۲/۱۵)

### چکیده

جهان امروز با مجموعه‌ای از مشکلات پیش‌بینی‌نشده مواجه است که مشخصه آن کاهش کیفیت زندگی مردم است. هشدارهای بسیار در سال‌های اخیر انسان را وامی‌دارد که به سمت الگوهای پایداری از زندگی پیش رود. پژوهش حاضر به دنبال شناسایی درک ذی‌نفعان آب زیرزمینی دشت رفسنجان از ارتباطات گروهی در باب پایداری منابع آب زیرزمینی است. در این پژوهش، از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده که روشی کیفی است. مشارکت‌کنندگان در پژوهش شامل ده گروه با ترکیب‌های مختلف مشاغل کشاورزی، صنایع خرد، تجارت پسته، محققان و کارشناسان دولتی در سطح ملی و محلی بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع نظری انتخاب شدند و اطلاعات آنها از طریق ابزار بحث گروه متمرکز در گروه‌های کوچک ده تا پانزده نفری جمع‌آوری شد. مقولات به دست آمده در پژوهش شامل درخواست مشارکت، درخواست انصاف، درخواست پاسخگویی، ادراک تغییرات اقلیمی و بینش مشارکت‌جو است. مقوله هسته‌ای اصلی در این پژوهش عبارت است از: درخواست حکمرانی مشارکتی و پایداری منابع آب.

۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال B.zandrazavi@hotmail.com

۲. استاد گروه ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی Hadi.khaniki@gmail.com

۳. دانشیار گروه ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول)

Akbar.nasrollahi@gmail.com

۴. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان Dboostani@uk.ac.ir

**واژگان کلیدی:** حکمرانی مشارکتی، آب زیرزمینی، ادراک ارتباطی، تغییرات اقلیمی، توسعه پایدار، رفسنجان.

### مقدمه و بیان مسئله

در آستانه دهه ۴۰ شمسی، تقریباً یک‌سوم زمین‌های زیر کشت در ایران از راه ۳۷ هزار قنات آبیاری می‌شدند. صفی‌نژاد (۱۳۵۹) معتقد است مدیریت بهره‌برداری از قنات جمعیتی بوده است و با توجه به تجربه طولانی، کشاورزان ایرانی نیاز آبی برای کشت محصولات خود را با میزان آب در دسترس و حقایق خود تنظیم می‌کردند. در چارچوب این نظام "گروه هم‌آبی" تشکیل می‌شد. این گروه‌های هم‌آبی فراتر از هم‌کاری در تقسیم آب مربوط به خود مسئولیتی نداشتند، اما به دلیل ماهیت واقعی خویش، در توزیع آب و لایروبی جوی‌ها و بقیه امور مربوط به منابع مشارکت می‌کردند. این نظام آبیاری با پیدایش موتور پمپ تا حد زیادی از بین رفت. در نتیجه، بسیاری از قنات‌ها و توافقی‌های آبی که در گذشته وجود داشت نیز کنار گذاشته شد و حل‌وفصل مسائل مدیریت آب به دولت سپرده شد.

امروزه، مسئله آب ایران وارد مرحله جدیدی شده و اثر آن زندگی روزانه میلیون‌ها انسان را تحت شعاع قرار داده است. میانگین مصرف سالانه آب در ایران حدود ۹۶ میلیارد متر مکعب است که ۸ درصد بیشتر از کل منابع آبی تجدیدپذیر و حدود ۸۰ درصد بیش از آستانه تحمل کشور است (مهکویی، ۱۳۹۳: ۱۳۸).

در سال‌های اخیر، آمارها نشان‌دهنده ورود ایران به دوره جدیدی از بحران زیست‌محیطی به‌ویژه در حوزه آب است. مطالعات نشان می‌دهد در اوضاع کنونی ۶۹ درصد از کل آب تجدیدپذیر سالیانه کشور مصرف می‌شود و طبق شاخص‌های سازمان ملل متحد، ایران در وضعیت بحران آبی قرار گرفته است (احسانی و خالدی، ۱۳۸۲: ۶۵۹). در سال ۱۹۸۰، برای نخستین بار اصطلاح توسعه پایدار در گزارش سازمان جهانی حفاظت از منابع طبیعی<sup>۱</sup> مطرح شد. این سازمان در گزارش خود با عنوان «راه‌برد حفاظت از منابع طبیعی» اصطلاح توسعه پایدار را برای توصیف وضعیتی به کار برد که نه تنها برای طبیعت مضر نیست، بلکه به یاری آن هم می‌آید. مفهوم پایداری ناظر بر چهار جنبه پایداری طبیعی، سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی است (همشهری آنلاین، ۱۳۸۶).

مؤسسه مشارکت جهانی آب (۲۰۰۳) حکمرانی آب را شامل طیف وسیعی از دستگاه‌های سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی، و اداری می‌شناسد که برای تنظیم و کنترل توسعه و مدیریت منابع آب و مقررات خدمات آب در سطوح مختلف جامعه عمل می‌کنند (اسفندیاری، ۱۳۹۷: ۸).

در اغلب پژوهش‌ها تأکید می‌شود که منابع آب زیرزمینی از منابع آبی دیگر بسیار متمایزند. اغلب، به دلیل ماهیت مشترک مقوله آب زیرزمینی، اطلاعات جامع و دقیقی درباره آن وجود ندارد. این پیچیدگی ناشی از تنوع بهره‌برداران و اختلاف سلیق آنهاست؛ چراکه این منبع متناهی بین تعداد زیادی از انسان‌ها تقسیم شده و مشخص نیست هرکس تا چه اندازه از این منبع پنهان بهره‌برداری می‌کند (همان، ۱۱). راه‌حل‌های بسیاری برای روبه‌رو شدن با این مسئله در سطوح مختلف کشور پیشنهاد می‌شود.

دولت یکی از بازیگران حکمرانی است. دیگر بازیگران حکمرانی با توجه به وابستگی‌شان به سطوح مختلف حکومت متفاوت‌اند. حکمرانی، به تعبیر مهدی صانعی (۱۳۸۵)، مشابه کاری نیست که دولت می‌کند. حکمرانی درباره نحوه تعامل دولت و سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر و نحوه ارتباط این سازمان‌ها با شهروندان و اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده است.

مصرف بی‌رویه آب زیرزمینی در منطقه رفسنجان به کاهش شدید سطح آب‌خوان و ذخیره آب منطقه انجامیده است. بر طبق مطالعات سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان، خسارت ناشی از خشک شدن باغ‌های پسته طی ده سال گذشته حدود ۹۸,۵۷۹ میلیارد ریال برآورد شده است (مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۶). از آنجاکه راه اصلی تأمین معیشت مردم منطقه کشاورزی است و کشاورزی نیز به شدت به آب زیرزمینی وابسته است، کم‌بود آب به تغییرات شدیدی در اقتصاد منطقه می‌انجامد. البته، مسئله کم‌بود آب همه ابعاد زندگی در دشت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی بسیار متنوع و زیان‌باری به همراه دارد.

اغلب کشاورزان خرده‌مالک و عمده‌مالک، مسئولان دولتی مرتبط با آب، از جمله مسئولان جهاد کشاورزی و آب منطقه‌ای و کارشناسانی که به دلیل ارتباط با کشاورزان و زندگی در این منطقه در معرض مسئله کم‌بود آب قرار دارند، در بحث‌های گروه متمرکز مشارکت کرده‌اند.

مقابله با خشک‌سالی در سال‌های اخیر از دستور کار دولت خارج شده و طرح‌های مرتبط با سازگاری با اقلیم و ایجاد مدیریت مشارکتی از طریق بهره‌برداران آب در مرکز توجه قرار گرفته است. با توجه به این رویکرد، لازم است چگونگی تعامل گروهی بهره‌برداران جهت درگیر کردن

همه آنها و ایجاد حکمرانی محلی مؤثر تشریح شود. بدون شناخت درک ذی‌نفعان از این تعامل‌ها نمی‌توان به هیچ‌گویی اجرایی و اقناعی در منطقه دست یافت. پژوهش حاضر با هدف شناسایی ادراک ارتباطی ذی‌نفعان آب زیرزمینی دشت رفسنجان درباره پایداری منابع آب طراحی شده است. مشارکت‌کنندگان این پژوهش ذی‌نفعان آب زیرزمینی دشت رفسنجان‌اند که در گروه‌های بحث کوچک گفت‌وگو کرده‌اند و اطلاعات آنها با روش بحث متمرکز<sup>۱</sup> جمع‌آوری شده است. با این تفصیل، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به سه پرسش ذیل است:

- راه‌کارهای مشارکت‌کنندگان برای پایداری منابع آب زیرزمینی در دشت رفسنجان چیست؟
- چه عواملی بر انتخاب این راه‌کارها مؤثر است؟
- انتخاب این راه‌کارها چه پیامدهایی دارد؟

#### ملاحظات نظری

نظریه‌پردازان و برنامه‌ریزان توسعه، طی بیش از پنجاهه گذشته، نظریات و الگوهای گوناگونی توسعه مطرح کرده‌اند. وجه اشتراک این نظریات آن است که همه آنها، شرط ورود به مرحله توسعه را گذار جوامع کمتر توسعه‌یافته از نظام سنتی دانسته‌اند (فرهنگی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶). الگوی توسعه‌ای که غرب پیشنهاد کرده، بسیاری از کشورهای در حال توسعه را در طول نیم‌قرن گذشته با مشکلات متعددی مواجه ساخته است. تأکید توسعه بر رشد اقتصادی، به ایجاد شکاف‌های گسترده‌ای بین گروه‌های متمول و توده فقیر مردم منجر شده است. امروزه فشار این توسعه اقتصادی بر منابع طبیعی آشکار شده است. در نتیجه نفوذ زیاد و تأثیر کم توسعه در اغلب کشورهای جهان سوم و حاصل‌نشدن نتیجه مطلوب، پارادایم توسعه مبتنی بر نوسازی به‌گونه خوش‌بینانه‌ای که پیش‌بینی شده بود پیش نرفت. طرح نخستین انتقادات در دهه ۱۹۶۰، به‌خصوص از امریکای لاتین، آغاز شد (همان، ۱۷). اندیشمندان توسعه بسیاری از نظریه‌ها و الگوهای رایج ارتباطات توسعه به‌مثابه نوسازی را ذیل چهار وضعیت نقد کرده‌اند: ۱. این نظریه‌ها در پی حفظ وضع موجود هستند، ۲. به‌جای ساختار، فرد را سرزنش می‌کنند، ۳. رویکردی از بالا به پایین و سلسله‌مراتبی دارند، ۴. رویکرد رفتاری و کارکردگرایانه آنها با هدف اقناع و دست‌کاری صورت می‌گیرد (هواسکا، ۲۰۰۳: ۱۸).

1. Focus Group

2. Huesca

درخواست بسیاری از گروه‌هایی که در کشورهای امریکای لاتین الگوهای نوسازی را در کشورهای خود به کار گرفته‌اند، ترک رویکردهای عمودی، انتقال اطلاعات و پذیرش طرح‌های افقی با تأکید بر دسترسی، گفت‌وگو و مشارکت است. چنین انتقاداتی به پارادایم‌های مسلط و روبه‌گسترش توسعه و درخواست برای رویکردهای برابری‌طلبانه و پاسخگو در توسعه، به ایجاد تنه نیرومندی از تحقیقاتی انجامید که به نظریات ارتباطات مشارکتی برای توسعه پرداخته بودند (همان، ۱۹).

نظریه ارتباطات مشارکتی<sup>۱</sup> بر مشارکت فعال و آگاهانه مخاطبان و کاربران پیام‌ها به مثابه طرف تعامل گفت‌وگویی واقعی و کاربردی استوار است. این نظریه ادعا دارد که طرح‌های توسعه‌ای در هیچ زمینه‌ای بدون مشارکت مردم موفق نخواهند بود و اجتماعات در پرتو ارتباطاتی از این دست قادر خواهند بود، از طریق گفت‌وگوهای نزدیک، در آموزش و تغییر مشارکت کنند (جعفری، ۱۳۹۳: ۲۵). این رویکرد، با توسل به گفت‌وگو، به اشتراک اطلاعات و نظرها در میان افراد می‌پردازد و از این طریق، توانمندسازی بهره‌برداران را، به‌ویژه برای گروه‌های ضعیف و به‌حاشیه‌رانده‌شده، ممکن می‌سازد (توفت<sup>۲</sup> و مفالپولوس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹: ۱۷). از ویژگی‌هایی که ارتباطات مشارکتی را از دیگر راه‌بردهای ارتباطات توسعه متمایز می‌کند، می‌توان به ارتباطات افقی در برابر عمودی، رویکرد فرآیندی در برابر مقطعی، نگاه بلندمدت در برابر کوتاه‌مدت، نگاه جمعی در مقابل فردی، و رویکرد با مردم در مقابل رویکرد برای مردم اشاره کرد (جعفری، ۱۳۹۳: ۲۵).

در صورتی که راه‌برد مشارکت در اجرای طرح‌های توسعه به کار گرفته شود، خروجی‌هایی را می‌توان انتظار داشت، همچون خروجی‌های روانی-اجتماعی افزایش حس مالکیت مسئله و تعهد به حل آن، بهبود ظرفیت‌ها و شایستگی‌هایی که برای تعریف توسعه لازم است و تأثیر واقعی بر نهادهایی که با افراد و اجتماع در ارتباطاند (توفت و مفالپولوس، ۲۰۰۹: ۱۸).

بسیاری از کشورهای در حال توسعه منابع زمین و آب خود را در طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ ملی اعلام کردند. در نتیجه، ترتیبات نهادی‌ای که کاربران محلی جهت محدود کردن ورود به منابع و استفاده از آن طراحی کرده بودند، جایگاه قانونی خود را از دست داد و مدیریت و مالکیت منابع از دسترس بهره‌برداران خارج شد (استروم، ۱۳۹۵: ۳۵۲). در این حالت، از یک سو، موضوع آب مسئله دولت تعریف شد. دولت این اجازه را یافت که از مشارکت گروه‌های

---

1. Participatory Communication

2. Tufte

3. Mefalopoulos

دیگر در این مسئله جلوگیری کند تا در عمل، بازیگران دیگر در نقش تماشاچی ظاهر شوند و از دولت انتظار کار داشته باشند. با مطرودشدن دانش بومی و فراهم‌نیامدن سازگاری بین دانش بومی و فناوری جدید، جامعه محلی در حالت انفعال قرار گرفت و نظام بهره‌برداري سنتی جای خود را به نظام سلسله‌مراتب دولتی و اداری داد (اخلاص‌پور، ۱۳۹۴: ۱۷). از سوی دیگر، ظهور چاه‌های شخصی استقلال و خودمحموری زیادی به کشاورزان داد، درحالی‌که قبلاً کشاورزان آب را از راه مشارکت و از طریق سامانه محلی قنات دریافت می‌کردند، ولی ظهور فناوری چاه و از میان رفتن روش مشارکتی، نظم و وابستگی میان اعضا را از بین برد (اسفندیاری، ۱۳۹۷: ۹).

### پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهشی بحران آب در ایران نشان می‌دهد بیشترین پژوهش‌ها در رشته‌های فنی-مهندسی و علوم طبیعی انجام شده است. به نظر می‌رسد در حوزه ارتباطات در ایران خلأ پژوهشی جدی‌ای درباره ارتباط بین بهره‌برداران و عواملی وجود دارد که از منظر ذهنی به بروز وضعیت فعلی منجر شده است. در ادامه، به بخشی از پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه اشاره می‌شود.

غفوری‌فرد و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «ارزیابی ذی‌مدخلان در بخش آب؛ مطالعه موردی تحقیقات منابع آب ایران» در شهر رفسنجان، از روش تحلیل ذی‌مدخلان به‌منزله نقطه ورود در دست‌یابی به مشارکت جمعی در سه گام استفاده کرده‌اند. در روش پیشنهادی، از داده‌های دفتر عمران سازمان ملل، که از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه جمع‌آوری می‌شود، استفاده می‌شود تا درجه قدرت و منافع ذی‌مدخلان به‌ترتیب اهمیت و تأثیرگذاری آنها اولویت‌بندی شود و پرقدرت‌ترین و پرمنافع‌ترین گروه‌ها را مشخص کند. در نهایت، چهار سطح تعامل برای کلیه گروه‌ها معرفی می‌شود. تعامل نزدیک و تصمیم‌گیری در سطح اول به‌منزله الگوی مطلوب مشخص می‌شود تا تصمیم‌ها مبتنی بر مشارکت کلیه ذی‌مدخلان باشد و به اجماع نظرهای معقول در تدوین نقشه راه برای رفع مشکلات منجر شود.

مقاله «روش مشارکتی ساختاریافته در حمایت از تحلیل گزینه‌های سیاستی در سیستم‌های اجتماعی زیست‌محیطی» (مهیار و همکاران، ۲۰۱۷) به مسئله تحلیل گزینه‌های سیاسی مرتبط با مسائل اجتماعی زیست‌محیطی پرداخته است. نتیجه نشان داده است که کشاورزان دشت رفسنجان اثر تنوع اقتصادی را در بروز کم‌بود منابع آب مؤثر می‌دانند و به توان دولت در کنترل مصرف آب اعتماد کمی دارند، درحالی‌که سیاست‌گذاران و محققان همچنان به قدرت دولت و نظارت سیاسی برای حل مسائل مرتبط با کم‌بود آب دشت رفسنجان امیدوارند.

جدول ۱: اطلاعات گروه‌های مشارکت‌کننده در بحث گروهی متمرکز

شماره	تعداد	منطقه
۱	۱۱	فردوسیه
۲	۱۲	بهرمان
۳	۱۵	صفاییه
۴	۱۰	رفسنجان
۵	۱۰	رفسنجان
۶	۱۵	رفسنجان
۷	۱۲	بهرمان
۸	۱۰	کشکویه
۹	۱۰	رفسنجان
۱۰	۱۰	بهرمان
جمع	۱۱۵	

مدنی (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «خشک‌سالی اقتصادی-اجتماعی ایران: چالش‌های یک ملت ورشکسته آبی»، ضمن برشمردن هفده عامل اصلی و شتاب‌دهنده مشکلات کنونی آب در ایران، معتقد است که عوامل ذیل مانع هرگونه تغییر معنادار در وضعیت کنونی می‌شوند: نداشتن درک صحیح از ریشه‌های مشکلات آبی، ساختار نامناسب حکمرانی و برنامه‌ریزی آب، فقدان هماهنگی بین متولیان آب کشور و هزینه سیاسی مؤثر در ایجاد تغییرات بنیادین ضروری در بخش آب همچون افزایش قیمت آب و برق.

بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده به مسئله پایداری منابع آب و درک ذی‌نفعان و نحوه ارتباطشان با یکدیگر درباب منابع آب توجه نکرده‌اند. این پژوهش به‌طور خاص با استفاده از نظریه زمینه‌ای استروس و کوربین سعی در شناخت درک و ذهنیت مشارکت‌کنندگان و ارتباطشان با مسئله پایداری منابع آب زیرزمینی دشت رفسنجان دارد.

### روش‌شناسی

در این پژوهش، از نظریه زمینه‌ای<sup>۱</sup> استفاده شده است که یک روش تحقیق کیفی است. در پژوهش کیفی، برخلاف روش کمی، طرح تحقیق قبل از شروع پژوهش تدوین نمی‌شود، بلکه

1. Grounded Theory

در حین تحقیق تدوین می‌شود و با پیشرفت تحقیق نیز ممکن است تغییر کند (استروس و کوربین، ۱۹۹۸: ۳). برای گردآوری اطلاعات از فن بحث گروه متمرکز، و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نظریه زمینه‌ای استروس و کوربین بهره برده‌ایم.

### مشارکت‌کنندگان و نمونه‌گیری

مشارکت‌کنندگان در این مطالعه را ده گروه از ذی‌نفعان محدوده مطالعاتی دشت رفسنجان تشکیل می‌دهند که طی فرآیندهای چندگانه نمونه‌گیری انتخاب شده‌اند. بر طبق اطلاعات پژوهش‌های پیشین در دشت رفسنجان، به‌خصوص طرح «انجام خدمات مشاوره مهندسی در راستای راه‌اندازی انجمن آب و آموزش تسهیل‌گری مشارکت‌های مردمی در امور منابع آب در محدوده استان کرمان»، در سال ۱۳۹۵ از طرف شرکت آب منطقه‌ای کرمان ۷۰۰ نفر از بهره‌برداران آب شناسایی شدند. در این پژوهش، انتخاب گروه‌های مشارکت‌کننده در تحقیق به‌طور هدفمند از میان فهرست‌های موجود در شرکت آب منطقه‌ای کرمان صورت گرفت. مشارکت‌کنندگان برای حضور در بحث گروهی متمرکز با توجه به هدف تحقیق و معیارهای اشباع نظری دعوت شدند.

در تحقیق حاضر، برای انتخاب مشارکت‌کنندگان و مفاهیم، از دو روش نمونه‌گیری استفاده شده است: نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری. در ابتدا، با توجه به فهرست‌های به‌دست‌آمده از پژوهش‌های قبلی در دشت رفسنجان، ۷۰۰ نفر شناسایی و معرفی شدند. سپس، با اتکا به معیارهای تحقیق، افرادی که می‌توانستند محقق را در پاسخ به پرسش‌ها یاری کنند انتخاب شدند. فرآیند انتخاب گروه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت تا حجم کل نمونه به ده گروه ده تا پانزده نفری رسید.

### جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

در روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها هم‌زمان انجام می‌شود تا به پیدایی نظریه مستقر در داده‌ها کمک کند (گلاسر و استروس، ۱۹۹۸: ۲۵). تکنیک به‌کارگرفته‌شده در این پژوهش تکنیک گروه متمرکز است. تکنیک بحث گروه متمرکز نوعی مباحثه گروهی است که دسته‌ای از جریان‌های معین را بررسی می‌کند. گروه بر یک بحث جمعی متمرکز می‌شود تا مسئله خاصی را بررسی کند. مشارکت‌کنندگان با این شیوه تشویق



می‌شوند تا با هم صحبت کنند، تجربیات یکدیگر را تفسیر و دیدگاه‌های خود را بیان کنند (باربیور،<sup>۱</sup> ۱۹۹۹: ۴).

در این پژوهش، به‌علت موضوع تحقیق و تأکید بر ارتباطات گروهی و تعامل میان ذی‌نفعان، ضروری بود که بحث گروه متمرکز به‌منزله روش جمع‌آوری اطلاعات تحقیق انتخاب شود. گروه یک واحد تحلیل است که با دیگر اشکال رفتار اجتماعی مانند ازدحام، سازمان و روابط بین‌فردی متفاوت است. گروه از ارتباط بین‌فردی بزرگ‌تر است و از ازدحام و سازمان کوچک‌تر است. گروه اغلب شامل پنج عضو است (و ممکن است حجم آن تا بیست‌نفر افزایش پیدا کند). این ترکیب عددی بر طبق نظریه‌های تصمیم‌گیری طراحی شده است. بهترین حالت تصمیم‌گیری گروهی را در وضعیت پنج‌عضوی معرفی کرده‌اند. البته، چیزی که گروه را می‌سازد تعداد اعضای آن نیست. گروه از این جهت اهمیت دارد که بر تجربه زیسته و درک افراد از جهان اثر می‌گذارد (د/یره/المعارف/ارتباطات و اطلاعات،<sup>۲</sup> ۲۰۱۹).

به‌طور کلی، با توجه به ماهیت نظریه زمینه‌ای، پرسش‌های تحقیق طی چند مرحله استخراج و مجدداً جرح و تعدیل شدند؛ به‌این‌شکل که پس از انجام هر بحث در گروه متمرکز و یادداشت‌برداری میدانی، صحبت‌ها کدگذاری و مجدداً پرسش‌های جدید طراحی و از مشارکت‌کنندگان پرسیده می‌شد. طی این فرآیند، خطوط کلی بحث گروه متمرکز به‌وسیله مفاهیم و مقوله‌ها شکل گرفت. این فرآیند تا مرحله اشباع نظری ادامه پیدا کرد؛ یعنی، زمانی که داده‌های جدیدی در فرآیند کار خلق نشد. این فرآیند تحلیل بر مبنای سه شیوه کدگذاری (۱) باز،<sup>۳</sup> (۲) محوری<sup>۴</sup> و (۳) انتخابی<sup>۵</sup> است (کوربین و استروس، ۱۹۹۸: ۲۸). تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از بحث‌های گروه متمرکز در مرحله اول از طریق کدگذاری باز انجام شد. سپس، با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده، طبقات محوری شناسایی شدند و در نهایت، از طریق کدگذاری انتخابی، مشخص‌ترین اندیشه‌هایی که قادر به توضیح ادراک ارتباطی ذی‌نفعان دشت بود، به‌دست آمد. در طی این فرآیند، مقوله درخواست حکمرانی مشارکتی و پایداری منابع آب حاصل تحلیل کلیه مقولات به‌دست آمد.

1. Barbeur
2. Encyclopedia of Communication and Information
3. Open Coding
4. Axial Coding
5. Selective Coding

### قابلیت اعتماد<sup>۱</sup>

برای رسیدن به معیار اعتماد‌پذیری، از سه تکنیک استفاده شده است: (۱) اعتباریابی با تکنیک ممیزی؛<sup>۲</sup> متخصصان نظریه‌ زمینه‌ای بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند؛ (۲) بررسی یافته‌ها از طریق اعضا؛<sup>۳</sup> در این شیوه از مشارکان (در اینجا ذی‌نفعان آب زیرزمینی دشت رفسنجان) طی مصاحبه‌هایی خواسته شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کنند و درباره‌ی صحت آنها نظر دهند. (۳) اعتباریابی مقایسه‌های تحلیلی؛<sup>۴</sup> به داده‌های خام رجوع و ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شد (بوستانی و محمدپور، ۱۳۸۸: ۱۵۵-۱۵۶).

جدول ۲: تعداد چاه‌ها برحسب مصارف در دشت رفسنجان (۱۳۹۳)

شماره	بخش	تعداد چاه‌ها
۱	کشاورزی	۱۲۱۷
۲	فضای سبز	۳۹
۳	دام و طیور	۱۲
۴	شرب شهری	۱۰
۵	شرب روستایی	۶۲
۶	صنعت	۳۰
۷	خدمات	۱۴
۸	سایر	۱۲۲
	کل	۱۵۰۶

### میدان پژوهش

محدوده مطالعاتی رفسنجان با وسعت ۱۲,۴۲۱ کیلومتر مربع در ناحیه آبریز کویر درنجیر واقع شده است. این محدوده شامل دشت‌های رفسنجان، کبوترخان و نوق در شمال دشت انار و

1. Trustworthiness
2. Auditing
3. Member Check
4. Analytical Comparison

کشکوئیه در شمال غربی رفسنجان است که بدبخت کوه، دشتهای نوق و انار را کاملاً از هم جدا کرده است. این محدوده در حاشیه کویر واقع شده و فاقد رودخانه دائمی و منابع آب سطحی است و آب آن از منابع زیرزمینی تأمین می‌شود. تغذیه دشت رفسنجان از طریق مسیل‌های جنوب و جنوب غرب است که حیاتی کاملاً وابسته به بارندگی دارند (مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

در سال ۱۳۵۳، برداشت از سفره آب زیرزمینی این محدوده با ۱۵۹ حلقه چاه عمیق و نیمه عمیق و ۱۶۰ رشته قنات با استناد به قانون آب و ملی شدن آن (مصوب ۱۳۴۷) ممنوع اعلام شد (مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۶). در آخرین آمارگیری سال ۱۳۹۳، تعداد چاه‌های موجود ۱۵۰۶ حلقه اعلام شد (ر.ک: جدول ۲) و میزان تخلیه کل ۷۴۳،۱۹ میلیون متر مکعب برآورد شد. از کل این میزان، ۴۰،۳۷ میلیون متر مکعب سهم شرب، ۱،۰۱ میلیون متر مکعب سهم صنعت، و ۷۰۱،۸۱ میلیون متر مکعب سهم کشاورزی است (آب منطقه‌ای استان کرمان، ۱۳۹۳).

#### یافته‌های پژوهش

در فرآیند کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۵ مقوله و ۱۹ زیرمقوله استخراج شد. یک مقوله هسته نیز استخراج شد که حاصل تلفیق مقوله‌های تحقیق است. درخواست انصاف، درخواست پاسخگویی، درخواست مشارکت، بینش مشارکت جویانه و درک تغییرات اقلیمی از مقولات به دست آمده در این تحقیق هستند. در این فرآیند، مقوله هسته با عنوان درخواست حکمرانی مشارکتی و پایداری منابع آب خلق شد.

#### مقوله‌های پژوهش

مقوله	ابعاد	سطوح
۱	پاسخگویی عمومی، پاسخگویی فنی	
۲	درخواست مشارکت	-اطلاع‌رسانی -آموزش توانمندساز -همکاری - نمایندگی -شهروند ناظر
۳	درخواست انصاف	تخصیص به تناسب برابری، تخصیص به تناسب معیشت، تخصیص به تناسب مجوز بهره‌برداری، تخصیص به تناسب زمان

مقوله	ابعاد	سطوح
	حفر چاه، تخصیص به‌تناسب کارایی	
۴	درک تغییرات اقلیمی	درک تغییرات آب‌وهوایی، کاهش محصول
۵	بینش مشارکت‌جو	ادراک ضرورت کنش تفاهمی، ادراک دارایی مشترک

#### درخواست پاسخگویی: درخواست پاسخگویی دو بعد فنی و عمومی دارد: بعد فنی

عمومی شامل مسئولیت‌پذیری دولت در قبال مجوزهای بهره‌برداری بیش از توان سفره، داشتن اراده حاکمیتی در مدیریت درست منابع، و پاسخگویی در مقابل وعده‌های بی‌اساس نمایندگان و مسئولان دولتی است. مشارکت‌کنندگان خواهان مجازات قانونی برداشت‌کنندگان بیش از حد مجاز پروانه و شناسایی متخلفان دولتی هستند.

بعد پاسخگویی فنی شامل پایش منابع موجود، محاسبه آب قابل مصرف، و تحویل آب به‌صورت حجمی است. مشارکت‌کنندگان استدلال کردند که با روشن‌شدن آمار واقعی بهره‌برداری از دشت می‌توان برنامه‌ریزی دقیق‌تری کرد. انتظار مطالعات دقیق و تحویل آب به مقدار معین از جمله درخواست‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش بوده است.

در بحث گروه متمرکز صفاییه درباره پاسخگویی گفته شده است: «باید با دولت برخورد کرد تا جواب دهد که چرا زمانی بیش از توان سفره مجوز داده و حالا می‌خواهد از مردم خسارت بگیرد». در بحث گروه متمرکز رفسنجان درباره پاسخگویی فنی گفته شده است: «انجام مطالعات دقیق و تعیین وضعیت دقیق سفره باید اولین کار دولت باشد. باید منابع کلیه چاه‌ها پایش شوند، چه به‌لحاظ مصارف و چه به‌لحاظ منابع».

**درخواست مشارکت:** این مقوله شامل پنج ویژگی است: اطلاع‌رسانی، آموزش توانمندساز، هم‌کاری، نمایندگی، و نظارت شهروندی. از منظر مشارکت‌کنندگان، اطلاع‌رسانی دولت درباره تصمیماتش موقعیت ایمن‌تری به آنها می‌بخشد. از نظر آنان، وقتی دولت، بدون اطلاع‌رسانی، تصمیماتی اتخاذ می‌کند، مثل این است که بخواهد مردم را در تله گرفتار آورد و از قدرت خود سوءاستفاده کند. در این پژوهش، درخواست مشارکت‌کنندگان برای آموزش، به آموزش رسمی ختم نشده است و افراد خواهان آموزش توانمندساز هستند. هم‌کاری نیز یکی از ویژگی‌های درخواست مشارکت است. هم‌کاری برای یک‌پارچه‌سازی مدیریت باغ‌های پسته و مدیریت یک‌پارچه است. از منظر مشارکت‌کنندگان، این شیوه به افزایش بهره‌وری و اتخاذ تصمیم

مؤثرتر در مدیریت آب منجر می‌شود. حذف تبعیض در میان گروه‌های بهره‌بردار زیر عنوان نمایندگی دسته‌بندی شده است. مشارکت‌کنندگان شنیده‌شدن صدایشان را فارغ از تبعیض‌ها مهم می‌دانند.

ویژگی نظارت شهروندان در مقوله مشارکت بر ضرورت وجود نهاد مدنی، میانجی‌گری بی‌طرف، حضور نمایندگان همه بهره‌برداران در تشکل، تفویض اختیار، تشکیل تشکل آب‌بران، و واگذاری مدیریت آب دلالت دارد. درخواست برپایی یک نهاد مدنی با همه وظایفی که می‌تواند بر عهده گیرد، از جمله آموزش گسترده بهره‌برداران، پایش منابع، آگاهی‌رسانی، و بسترسازی قانونی از مسائلی بود که بسیار طرح شد، به طوری که مسئله آب مسئله وزارت نیرو یا جهاد نباشد و مسئله همگان تلقی شود.

در بحث گروه متمرکز رفسنجان درباره اطلاع‌رسانی گفته شد: «دولت باید تمام اقداماتش را به گوش همه بهره‌برداران برساند. دولت ما را به تله می‌اندازد تا تک‌تک شکار شویم تا برای کارهایی که پیش از آن قاعده نبوده است پول پرداخت کنیم. باید ابتدا اطلاع‌رسانی شود».

در بحث گروه متمرکز صفاییه درباره آموزش گفته شد: «برای آموزش باید طیف گسترده‌ای از کشاورزان را در نظر گرفت. کشاورزان به یادگیری اطلاعات مرتبط با آب نیاز دارند تا در صورتی که بخواهند در حفاظت از آب مشارکت کنند توانمند باشند». در بحث گروه متمرکز فردوسیه درباره هم‌کاری گفته شد: «ما در قدیم یک سیستم عرفی داشتیم که منابع را مدیریت می‌کردیم. مبنای آن هم‌کاری بود، ولی آن را گذاشتیم کنار، آمدیم مدیریت متمرکز دولتی کردیم و به مردم هیچ نقشی ندادیم».

درباره نمایندگی گفته شده است: «همه بهره‌برداران بنگاه‌های آب بر هستند و دولت باید به همه آنها، چه صنعت، چه شرب، چه کشاورزی، به یک چشم نگاه کند و حق نمایندگی همه این گروه‌ها را به یک اندازه به رسمیت بشناسد».

**درخواست انصاف:** در این پژوهش، مشارکت‌کنندگان انصاف را در نسبت با بازتخصیص منابع برای پایداری سفره در نظر داشته‌اند. در نتیجه، بسته به موقعیت ایشان، انصاف در پنج بعد متفاوت مورد بحث قرار گرفته است: تقسیم به نسبت برابری، انصاف به تناسب مقدار حبابه، انصاف به تناسب معیشت، انصاف به تناسب تقدم زمانی، و انصاف به تناسب کارایی.

انصاف در بازتخصیص آب به تناسب حق برابر بدین شکل بیان شده است: «باید این منطقه نجات پیدا کند. باید هرچه را روی سفره است بر کل موتورهای موجود به طور مساوی تقسیم کرد. اگر ۳۷۷ میلیون متر مکعب مجاز است، همه را باید بین همه به یکسان تقسیم کنیم».

گروهی که بازتخصیص آب را به تناسب مقدار حبابه منصفانه تلقی می‌کنند معتقدند: «باید بر اساس پروانه رفتار کنیم، چون میان پروانه‌ها اختلاف است و کاهش باید به تناسب پروانه باشد». گروهی خواهان کاهش به تناسب وضعیت معیشت و تعداد بهره‌برداران چاه هستند. تلقی آنها از انصاف آن است که معیشت ذی‌نفعان در نظر گرفته شود تا امنیت اجتماعی منطقه حفظ شود و این توجه را مصداق از خودگذشتگی گروه‌های قوی‌تر می‌شناسند: «خوب است عده‌ای از خودگذشتگی کنند. من به حق قانونی مالکان بزرگ اذعان دارم. این می‌شود شبیه رعایت حق تقدم. شما می‌توانید بروید ولی ترمز می‌کنید و رعایت دیگران را می‌کنید تا رد شوند».

گروه چهارم کاهش را برحسب زمان حفر چاه منصفانه معرفی می‌کنند و اقدام کسانی را که بعد از اعلام ممنوعیت برداشت از دشت رفسنجان در سال ۵۳ اقدام به برداشت آب کرده‌اند غیرمشروع و ناعادلانه می‌شناسند. این گروه معتقدند: «چاه‌های مجاز در دشت باید آنهایی باشند که اول از همه پروانه گرفته‌اند. هرکس بعد از انقلاب در دشت ممنوع چاه حفر کرد، کاری غیرقانونی و غیرشرعی کرده است».

گروه پنجم، انصاف را توجه به کارایی معرفی می‌کنند؛ یعنی، کشاورزانی که کارآفرین هستند و قادر به ایجاد کار برای گروه‌های بیشتری هستند باید مورد توجه بیشتری قرار گیرند. این مسئله به این شکل بیان شده است: «همه دستان ما اشتغال است. اینجا مالک یک باغ پسته فقط مالک نیست، کارآفرین هم هست؛ چون به‌ازای صد هکتار زمین، پنجاه نفر مشغول به کار می‌شوند. در مسئله کاهش برداشت باید به اشتغال هم توجه شود. اگر قرار است خرده‌مالک یا عمده‌مالک برداشت را زیاد یا کم کنند، باید توجه شود چند نفر سرکار می‌روند یا چند نفر بی‌کار می‌شوند».

**بینش مشارکت‌جویانه:** بینش مشارکت‌جویانه ترکیبی از دو زیرمقوله آمادگی برای کنش تفاهمی و درک آب به‌مثابه دارایی مشاع است. مشارکت‌کنندگان در بیان خود راه‌بردهایی مثل ایجاد تشکل میانجی برای توافق و حفاظت محلی را معرفی کرده‌اند. حفاظت از منبع به تشکل واگذار خواهد شد و تفاهم برای منافع درازمدت صورت می‌گیرد. با راه‌بردهای معرفی‌شده باید تشکلی به‌وجود می‌آمد که در آن گفت‌وگو، اعتماد، انصاف و تفاهم امکان شکل‌گیری داشت. این عاملیت ذهن کنشگران و نماینده آمادگی برای کنش تفاهمی است.

از سوی دیگر، بینش مشارکت‌جویانه با زیرمقوله درک دارایی مشاع تکمیل می‌شود. ویژگی‌هایی همچون پنهان و تجزیه‌ناپذیر بودن آب، نیازمند بودن به مراقبت مشترک، و احساس تعلق همگانی را مشارکت‌کنندگان از مبحث آب زیرزمینی دریافته بودند. در این حالت، فهم دارایی مشاع مسئله مشترکی را میان اعضا به‌وجود می‌آورد که به تصمیم‌گیری بهتر کمک

می‌کند. فهم مسئله مشترک در میان بخش‌های حاکمیت اهمیت اساسی دارد. این مسئله را مشارکت‌کنندگان به این شکل بازتاب می‌دهند که مثلاً در بحث گروه متمرکز فردوسیة درباره رسیدن به تفاهم و توافق گفته شد: «اگر تشکل میانجی بی‌طرفی بین ما باشد، کشاورزان با دولت بر سر طرح‌هایی که به حفظ آب منجر می‌شود به توافق خواهند رسید».

در بحث گروه متمرکز بهرمان گفته شد: «فایده ندارد من تنهایی مراقب آب باشم. اگر من نکشم، دیگری می‌کشد. همه باید مراقب این منبع زیر پایمان باشیم» و «این آب نعمتی است که خداوند به ما داده است و فقط متعلق به یک نفر و دو نفر نیست که بخواهند مصرف کنند و بگویند به بقیه ربطی ندارد».

**درک تغییرات اقلیمی:** این مقوله از دو ویژگی درک تغییرات آب‌وهوایی و کاهش محصول ساخته شده است. گرم‌شدن هوا، کاهش آب‌دهی رودخانه و تغییرات نابهنگام دمایی از نشانه‌هایی هستند که مشارکت‌کنندگان در مقوله تغییرات آب‌وهوایی به آن ارجاع داده‌اند. گاهی این تغییرات به‌طور غیرمستقیم بر منطقه اثر می‌گذارد، ولی تغییر در مناطق بالادست، که منشأ آب است، در مناطق پایین‌دست نیز تأثیر می‌گذارد. در این باره، گفته می‌شود: «تغییرات آب‌وهوایی میزان مبادله‌های آبی را بر هم می‌زند. دشت رفسنجان از دشت‌های اطرافش جدا نیست. در بالادست، دشت بردسیر، دشت زرنند و کرمان را داریم. با کاهش بارندگی در دشت‌های بالادست، ورودی آب‌خوان کم می‌شود».

کاهش محصول نیز از مواردی است که درک تغییرات اقلیمی را میسر می‌کند. پسته دشت رفسنجان میوه‌ای است که به سرما نیاز دارد، اما در طول سال‌های اخیر دائماً گرفتار گرم‌زدگی شده است. در موقعیت فعلی دشت رفسنجان، بسیاری از مشارکت‌کنندگان از کاهش باردهی درختانشان به دلیل تغییرات اقلیمی خبر داده‌اند.

در بحث گروه متمرکز فردوس گفته می‌شود: «در گذشته، از هر یک قصب ۱۰ من (۳۰ کیلو) برمی‌داشتیم. امروز با این بی‌آبی و بالاوپایین شدن هوا، تا ۳ کیلو هم به‌زور برمی‌داریم».

**درخواست حکمرانی مشارکتی و پایداری منابع آب:** در این پژوهش، "درخواست حکمرانی مشارکتی و پایداری منابع آب" به‌منزله مقوله هسته از درون داده‌های زمینه‌ای استخراج شد. این مقوله انتزاعی‌ترین مقوله و پاسخ نهایی پرسش‌های اصلی پژوهش است. با استناد به این مقوله، ذی‌نفعان آب زیرزمینی دشت رفسنجان پایداری زندگی خود را به‌منزله پدیده‌ای درک می‌کنند که نیازمند حکمرانی مشارکتی و پایداری منابع آب است.

مقولاتی همچون درخواست مشارکت، درخواست پاسخگویی، و درخواست انصاف، از راه‌بردهایی هستند که ذی‌نفعان برای پایداری منابع آب ضروری دانسته‌اند. پیامد این راه‌بردها شکل‌گیری تفکر مشارکت‌جویانه در ذهن افراد است. این بینش، با دو بُعد آمادگی برای کنش تفاهمی و درک دارایی مشاع، شیوه تفکر مشارکت‌کنندگان را در تفسیر حکمرانی مطلوب خود برای رسیدن به پایداری منابع آب آشکار می‌کند.

سه عنصر کلیدی برای حکمرانی مشارکتی وجود دارد: شفافیت، مشارکت و پاسخگویی. این نوع از حکمرانی بر مشارکت واقعی شهروندان تأکید و تلاش می‌کند از طریق مطالعه و تمرین، رویکردهای قدیمی حکمرانی را که مانع مشارکت شهروندان می‌شود شناسایی کند و برای تعمیق حضور واقعی شهروندان راه‌حل بیابد (لوی-فار، ۲۰۱۲).

مؤسسه هم‌یاری جهانی آب<sup>۲</sup> حکمرانی آب را مجموعه‌ای از نظام‌های سیاسی، اداری، اجتماعی و اقتصادی تعریف می‌کند که ایجاد و مدیریت منابع آب و انجام خدمات مربوط به انتقال آب به‌شکل مناسب را محقق می‌کند (اسفندیاری، ۱۳۹۷: ۱۰).

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، مقوله هسته‌ای "درخواست حکمرانی مشارکتی و پایداری منابع آب" به‌مثابه پاسخ نهایی به پرسش‌های پژوهش استخراج شد. بر طبق این مقوله، ذی‌نفعان منابع آب زیرزمینی دشت رفسنجان برای پایداری منابع آب زیرزمینی با درک تغییرات اقلیمی، راه‌بردهای مشارکت، پاسخگویی و انصاف را پیشنهاد کردند. پیامد این راه‌بردها به‌منزله شکل‌گیری بینش مشارکت‌جویانه است.

نظریه زمینه‌ای، با تأکید بر بینش ساخت‌گرایانه اجتماعی، بر این باور است که کنشگران اجتماعی در ساخت و بازسازی زندگی اجتماعی خود نقشی مهم ایفا می‌کنند و به‌گونه‌ای بازاندیشانه و آگاهانه در برابر محیط و تغییرات آن عمل می‌کنند. بسیاری از فعالان اجتماعی و محیط زیستی بر این باورند که برای ایجاد تغییر مؤثر، نیازمند تغییر عقاید و جهان‌بینی‌های ریشه‌دار هستیم. ریشه بسیاری از مشکلات جهان امروز در بحران ادراک، یعنی طرز نگاه ما به جهان و ارتباط با آن، نهفته است. تلاش برای درک مجدد به ما امکان می‌دهد که به فراسوی مرزهای فکری‌ای برویم که ما را به وضعیت دشوار کنونی کشانده است.

1. Levi-Faur

2. Governance World Participant (GWP)



مقوله درک تغییرات اقلیمی بر انتخاب مقولاتی همچون درخواست مشارکت، درخواست انصاف و درخواست پاسخگویی مؤثر است. مقوله درک تغییرات اقلیمی، با دو ویژگی درک تغییرات آب‌وهوایی و کاهش محصول، ذی‌نفعان آب زیرزمینی را در تنگنا قرار می‌دهد تا راه‌بردهایی اتخاذ کنند که وضعیت در حال تغییر را مدیریت کنند. این درخواست‌ها، فهم جدیدی را نمایش می‌دهد که حاصل درک وضعیت در حال تغییر است.

مقوله درخواست مشارکت که در آرای مشارکت‌کنندگان در بحث گروه متمرکز منعکس شده بود، همان‌طور که آرنستاین (۱۳۸۵) نردبان مشارکت را ترسیم کرده است، شامل سطوح مختلفی است. همه افرادی که در فرآیند مشارکت درگیر می‌شوند یا خواهان مشارکت هستند معنای یکسانی از مشارکت در نظر ندارند. این مقوله شامل پنج سطح است: اطلاع‌رسانی، آموزش توانمندساز، هم‌کاری، نمایندگی و نظارت شهروندی. از منظر مشارکت‌کنندگان، ایشان با وجود اطلاع‌رسانی در برابر تصمیمات دولت ایمن‌تر می‌شدند. در این حالت، درخواست مشارکت‌کنندگان برای آموزش به یک آموزش رسمی ختم نشده است و آنها خواهان آموزش توانمندساز هستند.

آرنستاین (۱۳۸۶) آموزش را از نشانه‌های ورود به مشارکت معرفی می‌کند. مقوله آموزش در بیان مشارکت‌کنندگان به آموزش رسمی و یک‌سویه ختم نمی‌شود. مشارکت‌کنندگان انتظار دارند دانش عملی و بومی آنها برحسب تفاوت‌های منطقه‌ای به رسمیت شناخته شود و مهارت‌هایی را بیاموزند که در جهت کنترل بیشتر بر منابع استفاده شود. فریره (۱۳۶۳) این نوع از آموزش را رهایی‌بخش دانسته است. او توضیح می‌دهد که باید به جای تمرکز بر انتقال دانش و اطلاعات، به کنش جمعی و بازخوردهای ذی‌نفعان پرداخته شود. مشارکت‌کنندگان، در جایگاه شهروند ناظر، برای مفهوم توانمندسازی، کمک به فهم "ارزش اقتصادی" آب، یادگیری کار گروهی، و تشکیل "سازمان‌های مردم‌نهاد" را تعریف کردند. فریره در آموزش رهایی‌بخش تمرکز اصلی را بر توانمندسازی شهروندان قرار می‌دهد. در این حالت، شهروندان از طریق مشارکت فعال در تشخیص مسائل، مسیر توسعه را با راه‌بردهای مطلوب خود در پیش می‌گیرند (توفت و مفالپولس، ۲۰۰۹: ۸).

هم‌کاری یکی از ویژگی‌های درخواست مشارکت است. هم‌کاری برای یک پارچه‌سازی مدیریت باغ‌های پسته و مدیریت یک پارچه است. از منظر مشارکت‌کنندگان، این شیوه به افزایش بهره‌وری و اتخاذ تصمیم‌های مؤثرتر در مدیریت آب منجر می‌شود. عدم تبعیض در میان گروه‌های ذی‌نفع و به رسمیت‌شناختن نمایندگانشان ذیل عنوان نمایندگی دسته‌بندی

شد. مشارکت‌کنندگان شنیده‌شدن صدایشان را فارغ از تبعیض‌ها مهم می‌دانند و خواهان آن هستند که نمایندگانشان به جلسه‌های تصمیم‌گیری دعوت شوند.

ویژگی نظارت شهروندان در مقوله مشارکت به ضرورت نهاد مدنی، میانجی‌گری بی‌طرف، حضور نماینده همه ذی‌نفعان در تشکل، تفویض اختیار، تشکیل تشکل آب‌بران، و واگذاری مدیریت آب اشاره دارد. درخواست برپایی یک نهاد مدنی با همه وظایفی که می‌تواند بر عهده گیرد، از جمله آموزش گسترده ذی‌نفعان، پایش منابع، آگاهی‌رسانی و بسترسازی قانونی، از مسائلی بود که بسیار طرح شد، به طوری که مسئله آب مسئله وزارت نیرو یا جهاد نباشد و مسئله همگان تلقی شود.

مقوله درخواست پاسخگویی یکی دیگر راه‌بردهای ذی‌نفعان است. پاسخگویی در این پژوهش با دو بعد عمومی و فنی ساخته شده است. بعد عمومی به مواردی همچون جواب‌خواستن از دولت، قانون‌گذاری برای وعده‌های آب‌محور و شفافیت‌طلبی اشاره دارد. مشارکت‌کنندگان معتقدند پذیرش مسئولیت توسط دولت در قبال ارائه مجوز بهره‌برداری بیش از توان سفره، داشتن اراده سیاسی کافی در مدیریت درست منابع، پاسخگویی در مقابل وعده‌های بی‌اساس نمایندگان و مسئولان دولتی بسیار ضروری است.

مجازات قانونی برداشت‌کنندگان بیش از پروانه، کسانی که برای حفر چاه مجوز داده‌اند و برگزاری دادگاه برای شفافیت و شناسایی متخلفان دولتی از خواسته‌های اصلی مشارکت‌کنندگان است. بهره‌برداران خرد و عمده به شکل‌های مختلف از دولت پاسخ‌خواسته‌اند و درخواستشان را به شکل‌های مختلف در بحث گروه‌های متمرکز مطرح کرده‌اند.

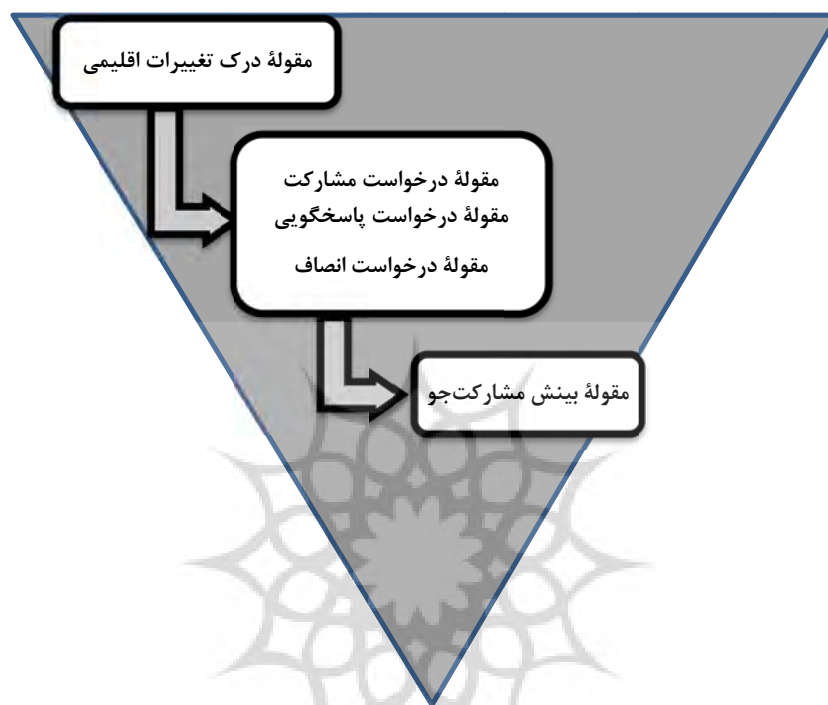
درخواست انصاف سومین راه‌برد پارادایم مشارکت‌محور است. منظور از انصاف، کاهش حجم برداشت برای پایداری آب‌خوان بیان شده است؛ بنابراین، این مقوله از پنج بعد مجزا ساخته شد. مشارکت‌کنندگان انصاف را در زمینه بازتخصیص منابع برای پایداری سفره در نظر داشته‌اند؛ در نتیجه، بسته به موقعیتشان، انصاف را با پنج بعد متفاوت مورد بحث قرار داده‌اند: تخصیص منصفانه منابع به تناسب برابری، به تناسب مقدار حقبه، به تناسب معیشت، به تناسب تقدم زمانی و به تناسب کارایی.

در مقوله اصلاح حکمرانی مسئله انصاف اهمیت اساسی دارد. هنگامی که دولت تصمیم‌گیرنده اصلی نباشد، اجرایی‌شدن تصمیم مسئولان و جلب هم‌کاری بهره‌برداران تا حد زیادی به "معقول" و "مقبول‌بودن" تصمیم‌ها وابسته است. مقبول‌بودن هر تصمیمی نیز در گرو عادلانه و منصفانه تلقی‌شدن آن تصمیم است. در نتیجه، درخواست انصاف، که بر پنج درک متفاوت از انصاف دلالت دارد، در تصمیم‌گیری مشارکتی درباب پایداری منابع آب زیرزمینی

اثرگذار است. استروم (۱۳۹۵) معتقد است وجود قواعد منصفانه، مؤثر و مشروع به منزله مکمل سهم هنجارها برای حفظ یک مجموعه (مثل دشت رفسنجان) در طول زمان ضروری است. پیامد راهبردهای ارائه شده، مقوله بینش مشارکت‌جو است. این مقوله از دو بعد کنش تفاهمی و ادراک‌داری مشترک ساخته شده است. این مقولات را می‌توان از دریچه ارتباطات با آرای هابرماس و استروم تحلیل کرد. مقوله بینش مشارکت‌جو اصل کلیدی حکمرانی مشارکتی و پایداری منابع آب است که مشارکت‌کنندگان با دو وجه کنش تفاهمی و درک‌داری مشترک معرفی‌اش کردند. وضع قوانین محلی و اجرای آن، که استروم مطرح کرده است، در گرو آمادگی برای کنش تفاهمی ذی‌نفعان است. کنش تفاهمی جریانی دوطرفه است که از یک ذهن و زبان واحد ناشی نمی‌شود و آن را قواعدی که دو طرف گفت‌وگو معتبر تلقی کرده‌اند هدایت و مشخص می‌کند.

در کنش ارتباطی هابرماس، نوعی نگاه بازاندیشانه وجود دارد که می‌تواند با خویش رابطه‌ای به‌شیوه نقد گزاره خویشتن، نقد کنش خویشتن یا نقد بازنمایش خویشتن برقرار کند. خود به‌همین ترتیب می‌تواند با خویشتن با الگوی خودانتقادی وارد رابطه شود و درعین حال به شناخت‌ها و بازنمایی کنش‌های معطوف به تفاهم دست یابد. در این حالت، مشارکت‌کنندگان با درک این چنین کنش تفاهمی در پی رسیدن به راه‌هایی برای پایداری منابع آبی مشترک بودند. کنش تفاهمی در نظر هابرماس تلفیق نظریات مبتنی بر عاملیت کنشگران و سلطه ساختارهاست که درک متفاوتی از انصاف را شکل می‌دهند. این کنش تفاهمی با درک‌داری مشترک است که وضعیت متفاوتی را رقم می‌زند. مشارکت‌کنندگان در بحث گروه متمرکز به لزوم بازاندیشی درباب نگرش خود به پایداری‌داری‌داری مشترکشان و آمادگی برای کنش فعالانه تفاهمی در جهت حفظ آن اشاره کردند.

بوهم (به‌نقل از نیکول، ۱۳۸۱) تفکر جمعی و مشارکتی را نوع متفاوتی از درک‌کردن و تفکر می‌داند و تأکید می‌کند این همان طریقی است که نوع بشر کم‌وبیش حدود یک‌میلیون سال در مسیر آن بوده است. از منظر بوهم، تفکر مشارکت‌جویانه قادر است مراتبی از روابط و مناسبات را درک کند که از دیدگاه واقع‌نما برنمی‌آید؛ چراکه برخلاف تفکر واقع‌نما، که به تفکیک و جداسازی گرایش دارد، به یک‌پارچه‌دیدن متمایل است. تفکر مشارکتی و جمعی همه‌کس را در همه‌چیز شریک و سهیم می‌بیند. با درک وجود چنین نگرشی برخاسته از دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در بحث گروه متمرکز، بینش مشارکت‌جو به‌مثابه مقوله‌ای که پیامد درخواست مشارکت‌کنندگان بود خلق شد.



الگوی پژوهشی درخواست حکمرانی مشارکت‌محور و پایداری منابع آب زیرزمینی

#### منابع

- احسانی، مهرزاد و هومن خالدي (۱۳۸۳) «شناخت و ارتقای بهره‌وری آب کشاورزی به‌منظور تأمین امنیت آبی و غذایی کشور»، در: مجموعه مقالات یازدهمین کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران، تهران: کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران: ۶۷۴-۶۵۷.
- اخلاص‌پور، رؤیا (۱۳۹۴) مدیریت جمعی بر منابع آب زیرزمینی، کرمان: فانوس کرمان.
- استروم، الینور (۱۳۹۵) فهم تنوع نهادی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- اسحاقی، ویلیام (۱۳۸۰) گفت‌وگو و هنر باهم‌اندیشیدن، ترجمه محمود حدادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- اسفندیاری، انوش (۱۳۹۷) چارچوب مفهومی و تحلیلی اصطلاح حکمرانی، تهران: اندیشکده تدبیر آب ایران.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱الف) روش‌شناسی تحقیقات کیفی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱ب) *فلسفه و روش تحقیق در علوم انسانی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بوبر، مارتین (۱۳۸۰) *من و تو*، ترجمه ابوتراب سهراب و الهام عطاردی، تهران: فرزانه روز.
- بوسناتی، داریوش و ایمان محمدپور (۱۳۸۸) «بازسازی معنایی جهت‌گیری جنسیتی پسران نسبت به دختران؛ ارائه یک نظریه زمینه‌ای»، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره یازدهم، شماره ۴۴: ۱۴۲-۱۷۲.
- بوهم، دیوید و لی نیکول (۱۳۸۱) *درباره دیالوگ*، ترجمه محمدعلی حسین‌نژاد، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، با همکاری مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها.
- پایا، علی (۱۳۸۱) *گفت‌وگو در جهان واقعی: کوششی واهی یا ضرورتی اجتناب‌ناپذیر؟*، تهران: طرح نو.
- جعفری، ابراهیم (۱۳۹۳) *ارتباطات مشارکتی در جامعه روستایی*، تهران: حریم دانش.
- حسینی، مریم (۱۳۹۷) «اولین گام شنیدن صدای بهره‌برداران»، *ماهنامه دنیای پسته*، سال سوم، شماره ۲۷: ۲۸-۳۰.
- محمدباقر، اعظم و مهدی خداپرست‌مشهدی (۱۳۹۲) «کاربرد نظریه استروم در استفاده پایدار از منابع مشترک»، در: سومین همایش ملی سلامت، محیط زیست و توسعه پایدار، بهمن‌ماه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس.
- درخشان، هاشم و همکاران (۱۳۹۶) «حفاظت از ذخایر استراتژیک آب زیرزمینی لازمه دستیابی به توسعه پایدار»، در: دومین کنفرانس پدافند غیرعامل و پیشرفت پایدار، مهرماه، تهران.
- شجاعی‌فرد، علی و میژگان صادقی‌فرد (۱۳۹۳) «نقش حکمرانی مناسب در سیاست‌گذاری عمومی»، در: دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت چالش‌ها و راه‌کارها، شیراز، مرکز همایش‌های علمی همایش‌نگار: ۱۶۰-۱۶۲.
- شرکت آب منطقه‌ای کرمان (۱۳۹۳) *مطالعات منابع آبی رفسنجان*، گزارش مطالعه موردی دشت رفسنجان (سال آبی ۹۲-۹۳).
- شفیعی، محمود (۱۳۸۴) «نظریه کنش ارتباطی (جهان زیست و سیستم) و نقد اجتماعی-سیاسی»، *فصلنامه دانش سیاسی*، دوره اول، شماره ۲: ۱۵۰-۱۶۶.
- صانعی، مهدی (۱۳۸۵) «حکمرانی خوب، مفهومی نو در مدیریت دولتی»، *ماهنامه تدبیر*، شماره ۱۷۸: ۲۶-۳۳.
- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۵۹) *نظام‌های آبیاری سنتی در ایران*، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- عمرانیان خراسانی، حمید (۱۳۹۳) «حکمرانی خوب و مدیریت آب»، *آب و توسعه پایدار*، دوره اول، شماره ۳: ۹۴-۹۵. غفاری، غلامرضا و محسن نیازی (۱۳۸۵) *جامعه‌شناسی مشارکت*، تهران: نزدیک.
- غفوری‌فرد، سمیرا، علی باقری و شاهرخ شجری (۱۳۹۴) «ارزیابی ذی‌مدخلان در بخش آب؛ مطالعه موردی: محدوده مطالعاتی رفسنجان»، *تحقیقات منابع آب ایران*، سال یازدهم، شماره ۲: ۱۶-۲۸.
- فریره، پائولو (۱۳۶۳) *آموزش در جریان پیشرفت*، ترجمه احمد بیرشک، تهران: خوارزمی.

- فرهنگی، علیرضا، ابوالفضل دانایی و رقیه جامع (۱۳۸۸). *ارتباطات توسعه در جهان سوم*، تهران: رسا.
- فلیک، اوه (۱۳۹۰). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، چاپ سوم، تهران: نی.
- قاضی‌مرادی، حسن (۱۳۹۱). *شوق گفت‌وگو و گستردگی فرهنگ تک‌گویی در میان ایرانیان*، تهران: دات.
- کمالی، یحیی (۱۳۹۵). «حکمرانی خوب به زبان ساده»، تهران: اندیشکده تدبیر آب ایران، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱/۲۰، دسترسی در: <http://www.iwpri.ir/vdcicza52t1au.bct.html>
- میبدی، جواد (۱۳۹۰). «جوابیه مدیرکل دفتر نظام‌های بهره‌برداری و حفاظت آب و آبفا درباره مقاله "چرا قوانین نقش بر آب می‌شوند"»، *ماهنامه دنیای پسته*، سال سوم، شماره ۳۱: ۳۰-۳۱.
- مرتضوی، سیدمصطفی، کریم سلیمانی و فرشته غفاری موفق (۱۳۹۰). «مدیریت منابع آب و توسعه پایدار، مطالعه موردی: دشت رفسنجان»، *نشریه آب و فاضلاب*، دوره بیست‌ودوم، شماره ۲ (پیاپی ۷۸): ۱۲۶-۱۳۱.
- مهکویی، حجت، کاظم جاجرمی و زهرا پیشگاهی فرد (۱۳۹۳). «تهدیدات زیست‌محیطی در کشورهای منطقه‌ای ژئوپلیتیکی خلیج فارس با تأکید بر بحران منابع آب»، *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال چهارم، شماره ۱۳: ۱۳۳-۱۴۳.
- مهدی‌زاده، مهدی (۱۳۸۹). *نظریه رسانه‌اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*، تهران: همشهری.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۹). *بازخوانی هابرماس*، تهران: چشمه.
- نوری، فاطمه (۱۳۹۳). نقش آموزش مهارت‌های گفت‌وگویی در کنش تفاهمی: ساختار و کارکرد گفت‌وگوی کندوکاوی دانش‌آموزان دبستانی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- والس، آری (۱۳۹۴). *معرفت اجتماعی در جهت جهان پایدار*، ترجمه حسین یحیی‌زاده پیرسرای، تهران: علمی فرهنگی.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۴). *نظریه کنش ارتباطی*، ترجمه کمال پولادی، تهران: مؤسسه ایران.
- هابرماس، یورگن (۱۳۹۲). *دگرگونی ساختاری حوزه عمومی: کاوشی در باب جامعه بورژوازی*، ترجمه جمال محمدی، تهران: افکار.
- همشهری آنلاین (۱۳۸۶). «مفاهیم: توسعه پایدار چیست؟»، تاریخ دسترسی: آذر ۱۳۹۶، دسترسی در: <http://www.hamshahrionline.ir/news/30508>
- هنینک، مونیک (۱۳۹۲). *راهنمای بین‌المللی پژوهش گروه متمرکز برای علوم اجتماعی و علوم بهداشتی*، ترجمه ایرج فیضی و مهسا طاهران، تهران: تپسا.
- هینتز، تئودور (۱۳۹۱). «توسعه پایدار و منابع آب»، ترجمه مینا تهرانی، در: *روزنامه دنیای اقتصاد*، شماره ۱۷۳۰، چهارشنبه ۱۳۹۱/۴/۷.
- Barbour, R. S., & Schostak, J. (2005). Interviewing and focus groups. *Research methods in the social sciences*, 1, 41-48.
- Levi-Faur, D (2012) *Participatory Governance: From Theory to practice*, The Oxford Handbook of Governance.

- Glaser, Barney G., and Anselm L. Strauss. *Discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. Routledge, 2017.
- "Group Communication." *Encyclopedia of Communication and Information*. Retrieved May 22, 2019 from Encyclopedia.com: <https://www.encyclopedia.com/media/encyclopedias-almanacs-transcripts-and-maps/group-communication>.
- Gupta, J. & P.van der Zaag (2008) *Interfacing water transfers and integrated water resources management: where engineering, science and politics interlock* *Physics and chemistry of the Earth* (33).
- Hadjigeorgalis. E (2008) *A place for water market: performance and challenges*. *Review of agricultural Economics\_Volume31, Number1\_* pages 50 -67.
- Huesca, R. (2003). *Tracing the history of participatory communication approaches to development: a critical appraisal*. In J. servaes, *Communication for development and social change* (Jan Servaes ed. pp. 180-200). New Delhi: Sage. Retrieved 10 1, 1395
- Huesca R (2002). Chapter 8. *Tracing the history of participatory communication approaches to development: A critical appraisal*. In Servaes.J. (Ed). *Approaches to Development Communication*. Paris: UNESCO.
- Johnson, I (1997) *Redefining the concept of governance*. Candian International development agency.
- Madani, K (2014). "Water Management in Iran: What is causing the Looming Crisis?" *Journal of Environmental Studies and Sciences*, 4(4): 315-328.
- Mehyar.S et al (2017). *A structure participatory method to support policy option analysis in socio- ecological system*. *Journal of environmental management* 197 (360 -372).
- Moran T. & Dan Wendell (2014). *The sustainable groundwater management act of 2014: Challenges and opportunities for implementation*. Stanford Woods institute for the environment.
- Soacale, S. (2008) *He Panoptic View: A Discourse approach to communication and development*. In JanSservaes, *communication for development and social change* (pp. 86-94). New Dehli: Sage.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research techniques*. Thousand Oaks, CA: Sage publications.
- Sustainable Groundwater management*. The World Bank. 2002-2010.
- Tufte, T., & Mefalopulos, P. (2009). *Participatory communication: a practical guide*. Copenhagen and Washington, DC: The International Bank for Reconstruction and Development /the World Bank.